

## مساجد و محدثین اولین مظاهر تمدن اسلامی در هندوستان

جمشید منتشلو<sup>۱</sup>، حجت الله محمدی مطلق<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> مدرس دانشگاه فرهنگیان، دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مدرس ایران کردستان

<sup>۲</sup> دانشجوی دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد واحد مشهد

---

### چکیده

هندوستان سرزمین علم و فرهنگ و تمدن بود وقتی مسلمانان آن را فتح کردند برخی از علوم اسلامی در آنجا گسترش یافت و مورد توجه علما و اندیشمندان آنجا قرار گرفت و علمی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی به وجود آمد و توانست بسیاری از علما هند را به خود جذب نماید و جزء علمای بانفوذ و صاحب نظر جهان اسلام شوند. در این مقاله ضمن بررسی فتح هند به برخی از مظاهر تمدن اسلامی در این سرزمین مانند بنای مسجد و علوم اسلامی مانند، علم الحدیث پرداخته شده است. مطالبی پیرامون ساخت اولین مسجد و فهرستی از علما و محدثین ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: هند، فتح، مسجد، علم الحدیث.

---

## ۱- مقدمه

هندوستان سرزمین بزرگ وسیعی است و قبل از اسلام مردم آن به آئین بودا بودند و روحانیان آن را برهمن می‌گفتند که مردم را ارشاد و راهنمایی می‌کردند و دارای عبادت گاهی بودند که بت و مجسمه بودا در آن قرار داشت و این بتکده‌ها برای آنان مقدس بود. آداب خاص عبادی در این عبادتگاه از طرف مردم اجرا می‌شد و الان هم بوداییان اکثریت جامعه هند را تشکیل می‌دهند. مردم هند دارای طبقات مختلف مانند برهمن یا روحانیان، نظامیان بازرگانان و عادی بودند.

هندوستان در تجارت و بازرگانی بسیار فعال بود به طوری کشتی‌های پر از کالا به عربستان و ایران و چین جابه‌جا می‌کردند و این رفت آمدها زمینه‌آشنایی با تمدن‌های بزرگ را به وجود می‌آورد. یکی از دلایل نفوذ اسلام به این سرزمین همین تجارت و بازرگانی بوده است که تاجران هندی در مبادلات تجاری با اسلام و مسلمانان آشنا شدند و زمینه گسترش اسلام را به طور ناخواسته و غیرمستقیم ایجاد کردند.

مسلمین طی چندین بار حملات توانستند این سرزمین را فتح کنند و وارد این کشور شوند و قسمت‌های از آن را ضمیمه سرزمین‌های اسلامی نمایند و چون حملات نظامی و فتح سرزمین زمینه‌ساز گسترش فرهنگی است لذا مسلمانان بعد از فتح و پیروزی شروع به تبلیغات و گسترش جنبه‌های مختلف دین اسلام و ایجاد مظهر و نماد دین اسلام یعنی همان مسجد، نمودند. چون بعد از فتح عده‌ای از اعراب و مسلمانان در سرزمین مفتوحه به جهت اداره و جلوگیری از شورش در آنجا ساکن شدند، به همین خاطر در آنجا به بنا و ساختن عبادتگاه و مساجد اقدام کردند و در این مساجد علاوه بر عبادات یومیه، به عنوان تبلیغ و آموزش احکام و علوم اسلامی نیز استفاده می‌کردند.

علوم اسلامی در اوایل سده‌های نخستین آموزش نماز و قرآن و حدیث و فقه بود که هم به جهت گسترش اسلام لازم و ضروری بود که قاریان و محدثان بزرگی در این زمینه رشد کردند که این علوم در هند نیز مورد توجه قرار گرفت و علمای بزرگی از این خطه برخاسته‌اند و به اسلام خدمت کرده‌اند که این نیز از گسترش و نفوذ اسلام در این سرزمین است که توانست بسیاری از علمای آن دیار را به خود جلب کند. هر چند که اسلام از علوم هندی نیز بی‌نیاز نبود و از آن استفاده کرده است، ولی علوم اسلامی هم در این دیار مورد توجه قرار گرفته و از مظاهر اسلام در این منطقه نفوذ کرده و به حد اعلاپی خود رسیده است.

## ۲- هند قبل از اسلام

سرزمین هند دارای سابقه فرهنگی هزاران ساله و محل تولد و خاستگاه اندیشه‌های متعالی بشری باشد (احمد، ۱۳۶۶، ص ۱؛ شاردن، ۱۳۷۲، ص ۹۱۷) و دارای اختلافات گرایش‌های مذهبی و قومی است که برخی گرایش‌های مذهبی مردم را در کتاب زین الخبار چنین آمده است: «و رامانیان باشند اندر ولایت دکشایت یعنی شمال شهر بازناین؛ و این رامان ملکی بوده است بزرگ و داناترین روزگار خویش. پس همت او بدان جای افتاد که پیغمبری دعوی کرد و چنین گفت مردمان را: که راه بهشت مذهب اوست و دلیل بهشت اوست. پس اهل مملکت آن مذهب از وی بپذیرفتند پس ایشان را بپرستش خویش خواند و گروهی‌اند که ایشان را گنگاپاتری گویند؛ و گروهی را جلهبگتیان گویند یعنی آب پرستان؛ و چنین گویند که بر آب فرشته‌ایست و آب اصل همه نبات و جانور است و اصل زندگانی اوست؛ و هر جای که از و زیادت باشد، آنجا نبات و تولد جانور و عمارت جهان بیش باشد و آب را سجده کنند (گردیزی، ۲۰۰۶، ص ۶۲۸) و گروهی را جندر بهگتیان گویند یعنی ماه پرستان؛ و ایشان چنین گویند: که ماه فرشته‌ایست از فرشتگان بزرگ؛ و او را بتی ساخته‌اند بر گوساله نشسته و پیش او چهار بت ساخته و به دست آن بت گوهری؛ و گروهی را اوپهگتیان گویند یعنی آفتاب پرستان. بتی ساخته‌اند بر گوساله نشسته و چهار اسب بر وی سخت کرده؛ و پیش آن بت فرشته‌ایست از فرشتگان، او را بپرستند و سجده کنند (گردیزی، ۲۰۰۶، ص ۶۳۶).

این گزارش‌ها نشانه این است که هند سرزمینی است دارای فرهنگ و تمدن و اعتقادات خاص خود با قدمت زیاد و دارای آثار مراکز عبادی و به قول ابن خلدون مردم هنگامی که یادگارهای گذشتگان و ساختمان‌های عظیم آنان را می‌بینند به یاد تمدن و عظمت آنان می‌افتند (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۷۹)، مردمی با این فرهنگ که این فرهنگ نسل به نسل حفظ می‌شود (راوندی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۹) پس چگونه می‌شود این مردم فرهنگ خود را رها کرده و فرهنگ جدید را می‌پذیرند و از آن

استقبال می‌کنند؟ اینجای تحقیق و پژوهش بیشتری دارد و جالب این است هندی‌ها عیدی دارند به نام اکدوس که در این روز پادشاه این کشور سرزمین هندوستان را از دست بیگانگانی که تصرف کرده بودند، آن‌ها را بیرون رانده است و بر آنان غلبه کرده است و هندی‌ها این روز را عید می‌گیرند (گردیزی، ۲۰۰۶، ص ۵۳۳) اما آنچه مهم است و در همه اخبار جهان نیز مشهور است که هیچ هندویی جهان را نگرفته و آن را تصرف نکرده است (گردیزی، ۲۰۰۶، ص ۵۳۳). هندی‌ها اسلام را قبول کردند و بسیاری از مردمان و علمای از این دیار جهت نشر و گسترش اسلام به پا خاسته‌اند و خدمات شایانی نیز انجام داده‌اند (حبیبی، ۱۳۸۰، ص ۷۲۶).

### ۳- فتح هند

مسلمانان در زمان خلیفه سوم عازم جنگ با هندوها شدند فرمانده لشکر اسلام مهلب بن ابی صفره بود. او در سال ۲۸ هجری اولین حمله خود را انجام داد ولی موفق به فتح نشد (فرشته، ۱۳۸۷، ص ۵۲). در سال ۳۲ هجری یعنی چهار سال بعد شخص دیگری به نام عبدالرحمن بن ابی ربیع احنفی به‌جای مهلب فرمانده لشکر اسلام شد او نیز با سپاهیان حملاتی کردند و غنائمی به دست آوردند ولی موفق نشدند. در سال ۴۲ هجری مهلب بار دیگر فرمانده لشکر اسلام شد که این در زمان معاویه بن ابوسفیان بود و در این سال هم مسلمانان به هند حمله کردند ولی موفق به فتح آن نشدند (فرشته، ۱۳۸۷، ص ۵۲).

هند تا سال ۹۲ هجری در مقابل حملات مسلمین مقاومت کرد و به تصرف مسلمانان درنیامد، اما مسلمانان در این سال یعنی در زمان ولید بن عبدالملک و به فرماندهی محمد بن قاسم موفق به فتح هند شدند (فرشته، ۱۳۸۷، ص ۵۲؛ منهج سراج، ۱۳۶۳، ص ۹۷).

محمد بن قاسم از طرف ولید بن عبدالملک اموی به حکمرانی منطقه سند و مکران انتخاب شده بود، او سپاهیان مسلمان به هند حمله کردند که در این حمله تجهیزات کامل جنگی مانند منجنیق جهت فتح قلعه‌ها به همراه داشتند که همین تجهیزات و شجاعت محمد بن قاسم باعث فتح هند شد (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۶۱۱؛ کوفی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶).

اولین شهری که مسلمین فتح کردند «دیبیل» بود، مسلمانان بعد از فتح این شهر بتکده و یا معبد بودا که بت و مجسمه بودا در آن قرار داشت خراب کردند و بت‌ها را بیرون ریختند و در آنجا مسجدی را بنا کردند (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۶۱۲). این اولین مسجد مسلمانان در هند بود که درباره جزئیات آن مخصوصاً از لحاظ معماری و شکل ساختمان اطلاعات چندانی در دست نیست و به نظر می‌رسد که همان ساختمان معبد را با تغییراتی که در آن داده‌اند، تبدیل به مسجد کرده‌اند و عبادات روزانه خود را در آن انجام می‌دادند و بعد از فتح حدود چهار هزار نفر از اعراب که با محمد بن قاسم بودند در اینجا ساکن گشتند (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۶۱۲).

مسلمانان در این زمان از کشتی‌ها جهت جابه‌جایی ادوات جنگی استفاده کردند و تمام ادوات جنگی خود را به‌وسیله کشتی به ساحل دیبیل رسانده‌اند (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۶۱۰؛ کوفی، ۱۳۸۴، ص ۷۳)؛ و مسلمانان در این زمان دارای نیروی دریای مناسبی بودند که دارای قدرت جنگ دریای بود و قادر به حمله و دفاع بودند و دریانوردی مهارت لازم را داشتند و از همه مهم‌تر اینکه به دانش دریانوردی آشنا بودند. مسلمانان با تکیه بر دانش دریای توانستند خود را به سواحل دریای دیبیل برسانند و قطعاً این کشتی‌ها مجهز به تجهیزات لازم در جنگ‌های دریای آن زمان بوده است و همچنین دارای چنان قدرتی بودند که منجنیق‌های بزرگی را برای جنگ‌های مهم حمل می‌کردند (حبیبی، ۱۳۸۰، ص ۷۲۶).

مسلمانان بعد از فتح دیبیل این شهر را به پایگاه خود قراردادند و از اینجا عازم دیگر مناطق هند شدند (خانبهادر، ۱۳۷۸، ص ۲۲). اولین شهری که مسلمانان در سند ساختند محفوظه است که برای سکونت اعراب مسلمان در کنار دریای سند ساخته شد که این شهر جدید پناهگاه و مقر لشکر اعراب گردید (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۶۲۰).

#### ۴- ورود مظاهر اولیه فرهنگ اسلامی

اسلام در اوایل ورود به سرزمین‌های دیگر به جزء قرائت قرآن و آموزش نماز و اذان و ساختن مساجد و رفتار اسلامی چیزی برای ارائه علوم به‌طور گسترده نداشت و مهم‌تر از همه این‌ها این‌که همه علما می‌دانند که ورود یک فرهنگ با همه ویژگی‌هایش به سرزمین دیگر به‌آسانی صورت نمی‌گیرد، آقای راوندی این باره می‌نویسد: «پس از آنکه دایره نفوذ سیاسی اعراب در اثر جنگها و کشورگشایی‌ها وسعت یافت، زمامداران اسلامی به مسئله فقر فرهنگی خود و ناآشنایی به مبانی سیاست و مملکت‌داری پی بردند. به قول استاد فقید علی اکبر دهخدا: «در دویست سال اول حکومت، با شمشیر، به تمدن‌ها تاختند و با ازدیاد وسعت زمین‌های مفتوح، بر خود بالیدند و جز قرائت قرآن و صدای اذان، چیز دیگری از مدارس و مساجد آنها برخاست. دوره شمشیر که در این امپراتوری مانند همه امپراتوری‌ها مستعجل بود به دوره فراغ و نیام کردن شمشیر رسید؛ از جانب دیگر مغلوبان نیز به زبان اسلام آشنا شدند و شروع به سؤال و جواب کردند، بحث‌های منطقی و استدلالی، جای کشتار و قتل و غارت را گرفت. دستگاه خلافت، در مقابل این سنوالات، خود را یکباره دست تهنی و (صفر الکفت) و پیاده یافت و نتوانست با ندای «حسبنا کتاب الله» کار کند و سنگ تکفیر نیز به کار نیامد، در نتیجه تسلط بر دیگر اقوام، عرب بر سر دوراهی قرار گرفت که یک راه به سقوط و انهدام امپراتوری عرب می‌کشید و دیگر راه به غنی کردن و از فقر بیرون آوردن آن می‌انجامید. دربار عباسی خوشبختانه این بار، کج‌سلیقگی نکرد و با انتخاب راه دوم به ندای تاریخ و نیاز زمان جواب مثبت داد و امپراتوری خود را از فقر فرهنگی رهایی بخشید» (راوندی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۱).

#### ۵- ساخت اولین مسجد

مسلمانان بعد از فتح و پیروزی به‌موجب دستور حاکم اسلام اقدام به ساختن مسجد و مناره می‌کردند (خانبهادر، ۱۳۷۸، ص ۲۵) اما درباره طرز ساختن و سبک معماری آن اطلاعات دقیق در دست نیست ولی به نظر می‌رسد که باید به سبک مساجد مراکز اسلامی آن زمان باشد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد محمد بن قاسم بعد از فتح اولین شهر هند، دیبل معبد بودا را بعد از پاک‌سازی به‌عنوان اولین مسجد قرارداد (بلادری، ۱۹۸۸، ص ۶۱۱؛ خانبهادر، ۱۳۷۸، ص ۲۳) که به نظر می‌رسد این مسجد موقتی بوده است، چون سندی به‌دست آمده است که اولین مسجد مسلمان در سال ۱۰۷ ساخته شده است. دو نوشته قدیمی که در سال ۱۹۶۰ در اثر کاوش‌های باستان‌شناسی در بم بور کراچی پیدا شده است که به زبان عربی و خط کوفی است این نوشته‌ها از جایی پیدا شده است که محل وقوع مسجد قدیم این شهر است. نوشته نخستین تاریخ ۱۰۷ هجری را نشان می‌دهد و دومین سال ۲۹۴ هجری است. مضمون نوشته چنین است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - هذا ما امر به الامير مروان بن محمد مولى امير المؤمنين اعزه الله على يدى على بن موسى ولى امير المؤمنين اكرمه اله - سنة سبع ومائه»

این نوشته نشان می‌دهد که مسلمین بعد از پیروزی و فتح آن سرزمین اقدام به بنای مسجد نمودند و در آنجا حاکمان و امیران مسلمانی ماندگار شده‌اند و بنای ساخت این مسجد بوده است (حبیبی، ۱۳۸۰، ص ۷۱۲) و مسجد ساخته شده هم جایگاه تبلیغ دین اسلام و هم دارا لعلم اسلامی به شمار می‌رفت؛ و بسیاری از علوم اسلامی در آنجا تعلیم می‌دادند چون مساجد اسلامی جزء اولین مدارس اسلامی است که در همه نقاط جهان اسلام گسترش یافته است (شبلی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵).

#### ۶- علوم اسلامی در هند

علمی که در نزد هندی‌ها بود عبارت از پزشکی و فلسفه علوم مختلف دیگر و همچنین نجوم در بین هندی‌ها رواج داشت (سیرافی، ۱۳۸۱، ص ۸۵؛ صفا، ۱۳۵۵، ص ۱۱۳).

اما علمی دیگری که در هند مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت علوم اسلامی بود که در سده‌های اوایل ورود اسلام به این سرزمین به‌شدت گسترش یافت و گسترش این امر با وجود لشکرکشی که مسلمین انجام داده بودند مسلماً عده‌ای از نظامیان در آن سرزمین به جهت جلوگیری از شورش و همچنین حکمرانی در آن منطقه ماندگار شده‌اند و از همه مهم‌تر عده‌ای از

بزرگان دین به‌عنوان مبلغ و معلم برای نشر دین همراه با نظامیان وارد آن سرزمین شدند که آقای حکمت در این باره می‌نویسد: «لشکر غازیان در اواخر قرن اول هجری از طریق مغرب به کنار رود سند رسیدند و هم‌زمان با ایشان ائمه شریعت و پیران طریقت برای نشر دعوت اسلام به سرحدات آن کشور قدم نهادند و در اوایل قرن دوم هجری بعضی از بزرگان دینی مانند محدثین و قراء کلام‌الله در مناطق غربی هندوستان وارد می‌شوند که مقدم آن جماعت ابو حفص بن ربیع بن صبیح الاسدی البصری است که از تابعین است و از جمله محدثین قرن دوم است. وی در سال ۱۶۰ هجری از طریق مکران به نواحی سند رسیده و در آنجا هم رحلت کرده است. (حکمت، ۱۳۳۷، ص ۶۳)» بنابراین بزرگانی دینی ما به اتمام شوق بسیاری از سختی‌ها را تحمل کردند و برای گسترش اسلام و علوم اسلامی با تمام توان در هند تلاش کرده‌اند. علوم اسلامی عبارت‌اند از: علم قرآن یا قرائت و تفسیر، علم کلام، علم فقه، علم حدیث (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۸۵).

## ۷- علم الحدیث

در اینجا به علم الحدیث و علمای آن که یکی از مظاهر تمدن اسلامی است و در هند گسترش یافته است اشاره می‌کنیم: حدیث علمی است که به یاری آن اقوال و افعال و احوال پیغمبر (ص) شناخته می‌شود مراد از علم الحدیث پیروی از آداب نبوی و دوری از اعمالی است که در نزد او مکروه بوده است. این علم از جهت اهمیت وافر که داشته مانند سایر علوم شرعیه شعب و فروع متعددی پیدا کرده است مانند علم شرح الحدیث - علم اسباب ورود الاحادیث و ازمنه و امکانه - ناسخ الحدیث و منسوخ - علم تأویل اقوال النبی (راوندی، ۱۳۸۲، ص ۷۳).

این علم در نظر مسلمین از اشرف علوم و اهم آن‌ها بوده و مورد کمال توجه کافه طبقات قرار می‌گرفته است زیرا بعد از قرآن مهم‌ترین وسیله اطلاع از احکام دین احادیث مروی از پیغمبر بوده است به همین جهت محدثین از صحابه و تابعین گرفته به بعد همواره مورد اعتماد و اعتناء مسلمانان بوده‌اند و میزان اهمیت محدثین بستگی تام به حفظ و نقل احادیث صحیح داشت به همین سبب بود که مردم به حفظ و نقل احادیث توجه فراوان مبذول می‌داشتند.

ظهور این علم بدین‌گونه بوده است که چون حضرت رسول مرتبی منحصر مسلمین بود در زمان حیات خویش هم آیات قرآنی را که اوامر و نواهی الهی است بمردم ابلاغ می‌کرد و هم در مواردی که مسلمین در مسائل مختلف مثل فهم در معانی قرآن یا کیفیت اجرا احکام و نظایر این امور اشکالی داشتند، مشکلات آنان را رفع می‌نمود یا از پیغمبر اکرم در موارد مختلف اقوال و افعالی صادر می‌شد که سرمشق مسلمانان در اقوال و افعالشان قرار می‌توانست گرفت و بدین ترتیب مقدار کثیری سنت و دستور و قول از پیامبر اسلام باقی ماند که عده‌ای از صحابه آن‌ها را از حفظ داشتند و روایت می‌کردند و هنگامی که فتوحات مسلمین شروع شد و مسلمانان در ممالک اسلامی پراکنده شدند به نشر این احادیث مبادرت شد چنانکه احادیث و سنن نبوی به سرعت در سراسر کشور اسلامی رواج یافت (راوندی، ۱۳۸۲، ص ۷۴).

از جمله در هند این علوم گسترش یافت به‌طوری‌که در سده‌های دوم بسیاری از علما از هند برای تعلیم و کسب این دانش راهی شهرهای مهم اسلامی مانند مکه و مدینه و بغداد و دمشق می‌شدند و همچنین بسیاری از علما و محدثان مسلمان جهت نشر و تبلیغ اسلام وارد این سرزمین می‌شدند کسانی مانند ربیع بن صبیح سعدی که در سال ۱۶۰ هجری وارد این منطقه سند شده و در آنجا وفات یافته است (حبیبی، ۱۳۸۰، ص ۷۲۹).

ربیع از حسن بصری احادیث و روایاتی را نقل می‌کرد، او همراه لشکریان اسلام در جنگ هند شرکت کرد و به‌عنوان مبلغ و عالم همراه سپاهیان بود که در همین راه از دنیا رفت و در هند به خاک سپرده شده است (بلاذری، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۵۱۶). ابو حفص اسدی بصری هم جز اولین محدثانی است که وارد سند شده است که سال وفات او را ۱۶۴ هجری ذکر کرده‌اند. او در علم حدیث جز ثقات است (احمد، ۱۳۶۶، ص ۹).

اولین محدث اهل سند، ابو معشر سندی است که شهرت او در مطالعه علم حدیث است؛ و اثر حدیثی از او در دست نیست ولی کتابی به نام المغازی تألیف کرده است که وجود دارد. او در دوره عباسیان و در بغداد زندگی می‌کرد و جز درباریان عباسی بود (احمد، ۱۳۶۶، ص ۹).

ایراد و ذکر خطبه در منطقه سند مثل دیگر مناطق اسلامی جاری بوده است که خطیب مردم را ارشاد می‌کرده است و احکام اسلامی را برای مردم بیان می‌کرده است که ابن بطوطه در سفرنامه‌اش در این باره چنین می‌گوید: «در این شهر با خطیب آن که شیبانی نامیده می‌شد ملاقات کردم. شیبانی نامه‌ای را که امیرالمؤمنین خلیفه عمر بن عبدالعزیز به نیای بزرگ وی نوشته و خطیبی شهر را به او تفویض کرده بود به من نشان داد. منصب خطابت از آن روزگار در این خانواده باقی‌مانده است. مضمون نامه چنین است:

«این است فرمانی که بنده خدا، امیرالمؤمنین عمر بن عبدالعزیز درباره فلانی صادر کرد» تاریخ آن نوشته سال ۹۰ است و بنا به گفته خطیب جمله (الحمدالله وحده) در روی نامه به خط عمر بن عبدالعزیز است. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۲) که این نشان می‌دهد که مکانی بوده است خطیب در آن به بیان احکام و ارشاد می‌پرداخته است و محدثین و مفسرین و فقیهان در کنار این مکان فعالیت می‌کردند.

ابن بطوطه از خانقاه‌ها مزارهای اولیا و قبرهای صلحای نام می‌برد که علما و فقیهان و عارفان در آن ساکن هستند و مردم جهت تعلیم و دیدار به آنجا مراجعه می‌کنند که از پیشینه تاریخی آن مکان‌ها نیز مطالبی بیان کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۷).

#### ۸- اسامی محدثین

فهرستی از محدثان هندی در زیر آورده شده است یا در خود هند بودند و یا در دیگر شهر اسلامی آثار و اثری دارند.

ردیف	نام	قرن	اثر	زبان	سلسله
۱	سهیل بن زکوانی ابدالسندی	۱	نمانده	-	
۲	۱- مکحول بن عبدالله الامام السندی الشامی ۲- موسی السیلانی ۳- عبدالرحمن بن ابی بیلمانی ۴- حرث بیلمانی ۵- محمد بن حارث بیلمانی ۶- محمد بن عبدالرحمن بیلمانی کوفی ۷- محمد ابراهیم بیلمانی ۸- عبدالرحیم بن حماد ثقفی دیبلی سندی بصری ۹- منتج بن نبهان سندی ۱۰- ربیع بن صبیح السعدی ۱۱- ابومعشر نجیح بن عبدالرحمن السندی	۲	=	=	
۳	۱- منصورالهندی ۲- رجا السندی ۳- داوود بن محمد بن ابی معشر السندی البغدادی ۴- احمد بن سندی البغدادی ۵- عبد بن حمید بن نصر السندی	۳	-	-	

				۶- محمد بن نجیح ابی معشر السنندی المدنی ۷- ابوجعفر سنندی ۸- محمد بن عبدالله السنندی البصری ۹- علی بن نبان بن السنندی البغدادی ۱۰- ابوالصلح السنندی نام	
	-	-	۴	۱- شیخ السلام اوزاعی ۲- خلف بن محمد دیبلی ۳- محمد بن محمد دیبلی ۴- شعیب بن محمد دیبلی ۵- ابوعبدالله محمد منصور ۶- ابراهیم بن محمد دیبلی ۷- احمد بن عبدالله الدیبلی ۸- احمد بن السنندی البغدادی (ابوبکر زاهد) ۹- علی بن موسی دیبلی بغدادی ۱۰- محمد بن ابراهیم دیبلی مکی ۱۱- محمد بن احمد بن منصور بوقانی سنندی ۱۲- محمد بن علی بن احمد ابوبکر بامیانی السنندی ۱۳- محمد بن حسین بن محمد دیبلی شامی	۴
	-	-	۵	اسماعیل لاهوری نصرالله بن احمد بن السنندی البغدادی	۵
دهلی	عربی	مشارق الانوار و رساله فی الاحادیث	۷	رضی الدین حسن بن الصنعانی	۶
خلج‌ها	-	-	۸	ابوبکر اسحاقی	۷
تغلق‌ها	-	-	۸	شهاب‌الدین مولتانی	۸
گورکانیان	عربی	مشکات المصابیح علم رجال حدیث	۱۰	عبدالحق دهلوی	۹

### ۹- تحلیل جدول

جدول بالا فهرست عده‌ای از محدثین هند است که به ترتیب قرن آورده شده است که موارد زیر از آن استنباط می‌شود  
- در قرون اولیه ورود اسلام به سرزمین علمای زیادی به چشم نمی‌خورد و این شاید به این دلیل باشد که هنوز علوم اسلامی جندان گسترش نیافته و برای آنان سخت است که آن را یاد بگیرند و یا آن را ابراز نمایند که این از زیاد شدن علمای قرن دوم استنباط می‌شود  
- در قرن دوم عده محدثین به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد و تقریباً بیشتر آنان از یک منطقه هستند و اسامی آنان نیز عربی است و این نشان از نفوذ کامل و گسترش اسلام است که این در قرن سوم و چهارم ادامه دارد و همچنان علمای بزرگی هستند ظهور پیدا کرده‌اند

-در طی قرن‌های دوم و سوم و چهارم توجه به حدیث در بین علما بیشتر از علوم قرآن است و همچنین آثار زیادی از این دوره‌ها به‌جا نمانده است

-از قرن پنجم به بعد توجه به این علوم کمتر می‌شود و آثار این دوره‌ها ماندگاری دارد

-در قرن پنجم به بعد زبان عربی به‌عنوان زبان علمی علما و دانشمندان این منطقه قرار گرفته و آثار علمی به این زبان نگارش یافته است

#### ۱۰- نتیجه

هند از جمله سرزمین‌های است مقاومت‌های زیادی در برابر مسلمانان از خود نشان داده است و این استنباط از لشکرکشی و آوردن ادوات جنگی مانند منجنیق و کشتی‌های دریای که این ادوات را حمل می‌کردند، به دست می‌آید و همچنین نفوذ و گسترش اسلام در قرن دوم به بعد خود را نشان می‌دهد و مظاهر و نماد تمدن اسلامی مانند مسجد به‌تنهایی نشانه گسترش اسلام و فرهنگ اسلامی نیست، چرا تغییر فرهنگ به‌سادگی صورت نمی‌گیرد بلکه با صرف زمان و تبلیغات مؤثر و صحیح به نشر فرهنگ باید اقدام کرد چنان‌که شکوفایی علوم اسلامی از قرن دوم در هند قابل توجه است و گسترش و پرورش علمای بزرگ یکی از مظاهر فرهنگ و تمدن اسلام است که در هند قابل توجه و تأمل است که نشان‌دهنده گسترش و نفوذ اسلام است.

#### منابع

۱. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله. (۱۳۷۶). *رحلة ابن بطوطه، تحفة النظائر فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار*. (محمد علی موحد، مترجم، عبد الهادی تازی، محقق) (ج ۱-۵). تهران: نشر آگه.
۲. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد. (۱۳۶۳). *العبر: تاریخ ابن خلدون*. (عبدالمحمد آیتی، مترجم). تهران - ایران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
۳. احمد، عزیز. (۱۳۶۶). *تاریخ تفکر اسلامی در هند*. (نقی لطفی و محمد جعفر یا حقی، مترجمان). تهران: کیهان.
۴. حبیبی، عبدالحی. (۱۳۸۰). *تاریخ افغانستان بعد از اسلام*. تهران: انتشارات افسون.
۵. حکمت، علی اصغر. (۱۳۳۷). *سرزمین هند*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. خانبهادر، خدادادخان. (۱۳۷۸). *لب تاریخ سند*. (نبی بخش بلوچ، مصحح). پاکستان: کراچی حیدر آباد.
۷. سیرافی، سلیمان تاجر. (۱۳۸۱). *سلسله التواریخ (اخبارالصین والهند)*. (حسین قراچانلو، مترجم). تهران: انتشارات اساطیر.
۸. شاردن، ژان. (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*. (اقبال یغمایی، مترجم). تهران: توس.
۹. شبلی، احمد. (۱۳۸۷). *تاریخ آموزش در اسلام*. (محمد حسین ساکت، مترجم). تهران: نشر نگاه معاصر.
۱۰. صفا، ذبیح الله. (۱۳۵۵). *تاریخ ادبیات ایران* (ج ۱-۲). تهران: ایران: امیر کبیر.
۱۱. فرشته، محمدقاسم بن غلامعلی. (۱۳۸۷). *تاریخ فرشته از آغاز تا بابر*. (محمد رضا نصیری، محقق). تهران - ایران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۲. کوفی، علی بن حامد. (۱۳۸۴). *فتحنامه سند معروف به چیچ نامه*. (محمد داود پوته، مصحح). تهران: اساطیر.
۱۳. منهج سراج، عثمان بن محمد. (۱۳۶۳). *طبقات ناصری*. (عبدالحی حبیبی، مصحح). تهران - ایران: دنیای کتاب.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*. بیروت - لبنان: دار و مکتبه الهلال.
۱۵. راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی در ایران*. تهران: انتشارات نگاه.
۱۶. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک. (۲۰۰۶). *زین الأخبار (تعریب)*. (عفاف السید زیدان، محقق). قاهره - مصر: المجلس الاعلی للثقافة.



## The Mosque and Hadith (Anecdots) Knowledge as a Manifestation of Islamic Civilization in India

Jamshid Mantashloo<sup>1</sup>, Hojatolah Mohamadi Motlag<sup>2</sup>

*<sup>1</sup>PhD in Islamic History and civilization, and Professor of Farhangian  
(Martyr Modares) University of Sanandaj*

*<sup>2</sup> Ph.D. student of Islamic Nations History and civilization of Azad University of Mashhad*

---

### Abstract

India was the land of science and culture and civilization When Muslims seized it, some Islamic sciences spread there and were considered by scholars and Scientists There and Scientists have emerged in various fields of Islamic Sciences and It was able to attract many of Indian scholars. These scholars were the influential and Theorist scholars of the Muslim world. In this Article, while investigating the conquest of India, some of the manifestations of Islamic civilization in this land, such as the construction of mosques and Islamic sciences, such as and Hadith (anecdots) knowledge, have been addressed. Subjects about the construction of the first mosque and a list of scholars and narrators are presented.

**Keywords:** India, conquest, Mosque, Hadith (anecdots) knowledge

---